

مسافران قرون وسطی

● محمد حسین فوقانی

کتاب حاضر شامل ده فصل است که به ترتیب توالی زمانی تنظیم شده‌اند. هر فصل از کتاب به تفصیل درباره تصورات انسان‌ها از جهان، موقعیت و شرایط مسافرت در دوران‌های مختلف به علاوه منابع فکری هر دوره و روند توسعه علمی آن مقاطع زمانی سخن می‌گوید.

در این کتاب فاصله زمانی میان پایان دنیای باستان و شروع اکتشافات بزرگ یعنی اواخر سده پانزدهم و اوایل سده شانزدهم میلادی به سه مرحله عمده تقسیم شده‌اند:

مرحله اول: از سده ششم تا سده یازدهم میلادی: این دوره با فقدان فرضیه‌های علمی پیدایش جهان - که غیر قابل انتقاد هم بود - مشخص می‌شود. به سختی می‌توان ادعا کرد که در این مرحله تصورات صحیحی پیرامون جهان در میان متفکران و تحصیل کردگان وجود داشته است. در دوره زمانی یاد شده دانشمندان مراحل پیدایش جهان را بر طبق کتاب مقدس مورد پژوهش و یا تفسیر قرار می‌دادند.

مرحله دوم: از حدود هزار سال بعد از میلاد شروع شده و تا آغاز سده چهاردهم میلادی ادامه می‌یابد. در این دوره جنگ‌های صلیبی اتفاق می‌افتد و مردم اروپا برای ارائه ایده‌های خود دیگر به نظرات کتاب مقدس وابسته نبودند بلکه دانش‌های مختلف را از منابع یونانی و رومی از طریق دیگری که همانا ممالک عربی و اسلامی بود اخذ کردند و بعدها تحت تأثیر این انتقال به نتایج گسترده و پیشرفت‌های علمی دست یافتند. بسط فراوان نظرات علمی و انتقادی به همراه توسعه علوم مختلف دوره مذکور را از دوره قبل متمایز می‌کند.

مرحله سوم: در واقع این مرحله اوج قرون وسطی است و شامل سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی می‌شود. در این زمان عقاید واقعی قرون وسطی نمود پیدا می‌کند. در امور کشتی‌رانی و اکتشافات دریایی توسعه بسیار به وجود می‌آید و توسعه علمی و عملی به تدریج به یکدیگر می‌رسند و دومی اولی را جذب و جایگزین آن می‌شود. برخلاف اوایل قرون وسطی که مطالب علمی مختصری راجع به دنیا وجود داشت در این مرحله با رساله‌های جغرافیایی مفصل همراه با ویژگی‌های علمی مواجه می‌شویم و قادر خواهیم بود ایده‌های خود را با قطعیت فراوان جمع‌آوری کنیم. در ابتدای نیمه اول سده پانزدهم



- **Travel and travellers of the middle ages**
- **Edited by: Arthur Percival (NewTon)**
- **Publisher: Routledge & kegan paul,**
third impression, London, 1968

مقاله‌ای که در کتاب حاضر تحت عنوان مسافرت و مسافران قرون وسطی گردآوری شده، برای نشان دادن روش‌هایی است که غربیان به وسیله آن‌ها به تدریج و طی هزاران سال، تصورات خود نسبت به جهانی که در آن می‌زیستند را اصلاح کردند. این تصورات که تفاوت عمده‌ای با نظریات مطرح شده در دنیای باستان درباره کره زمین داشت، پایه تفکرات پیشرفته کنونی درباره دنیا قرار گرفت. نویسندگانی که مقالات کتاب حاضر را نگاشته‌اند و اغلب از اساتید دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی انگلیس هستند بر این باورند که کشف دنیای جدید نه به وسیله فرهنگ جغرافیایی یونانیان و متفکران دوره رنسانس بلکه در واقع حاصل انجام پروسه‌های علمی و عملی از دوره باستان تا قرون وسطی بوده است که پس از افت و خیزهای فراوان، به تدریج اصلاح و تکمیل شده است.

نویسندگانی که مقالات کتاب حاضر را نگاشته‌اند و از اساتید دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی انگلیس هستند بر این باورند که کشف دنیای جدید نه به وسیله فرهنگ جغرافیایی یونانیان و متفکران دوره رنسانس بلکه در واقع حاصل انجام پروسه‌ای علمی و عملی از دوره باستان تا قرون وسطی بوده است که پس از افت و خیزهای فراوان، به تدریج اصلاح و تکمیل شده است

۳۰۰ - ۵۰۰ بعد از میلاد» پروفیسور لایزتر (M.L. Laistner) با یادآوری این نکته که نمی‌توان به طور دقیق آغاز دوران قرون وسطی را مشخص کرد، محدوده زمانی بین سال‌های ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلادی را دوره آغاز قرون وسطی معرفی کرده و آن را به دو بخش تقسیم می‌کند. نیمه اول آن را دوره‌ای می‌داند که جوامع خشن و بی‌رحم بوده‌اند و اجتماع از ناپهنجاری‌های بسیاری رنج می‌برده است. علم جغرافیا محدود و مشروط بوده و غالب مردم فکر می‌کردند اژدها و غول یک چشم در مناطق شناخته شده دنیا زندگی می‌کنند. مسلم است که زدودن این خرافات از اذهان عمومی کار ساده‌ای نبود. بعدها با شروع اکتشافات جغرافیایی فصل جدیدی از قرون وسطی آغاز می‌شود و کسانی چون بطلمیوس که منجم و جغرافی‌دانی زبردست بود نوشته‌های ارزشمندی از خود به یادگار گذاشتند. هیأتی از جانب امپراتور روم به مصر اعزام شد تا رود نیل را مورد بررسی قرار دهد. افرادی نیز مأمور اکتشاف اقیانوس اطلس و کشور آتیوپی شدند. در مجموع سفرهای دریایی و زمینی گسترش یافت و مسافران بسیاری در فاصله سال‌های ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلادی مناطق مختلفی از زمین چون اقیانوس هند، خلیج فارس و حتی دریای عمان را درنوردیدند. این سفرهای اکتشافی علاوه بر بازبینی بسیاری از مناطق ناشناخته، فوایدی نیز داشت که مهم‌ترین آن‌ها پیشرفت وسایل کاربردی علم جغرافیا و علم مردم‌شناسی بود.

در پایان قرون وسطی مهم‌ترین تغییرات در اسپانیا و انگلستان روی داد. در این زمان علیرغم تلاش‌های بسیار سرزمین جدیدی پیدانشد قلمرو امپراتوری روم محدودتر شد، صنعت در حیطه تحقیق قرار نگرفت و روح کشف و جست‌وجو در آن دمیده نشد.

فصل سوم با عنوان «زایران مسیحی»، یا سفرهای زیارتی مسیحیان (۵۰۰ - ۸۰۰) میلادی، توسط دکتر کلود چنکینز (Claude Jenkins) به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این نوشتار به راهبان و مسافران مسیحی اشاره می‌کند که در فاصله سال‌های ۵۰۰ - ۸۰۰ میلادی به خارج از مرزهای کشور خود سفر کرده و در بازگشت دیده‌ها و شنیده‌های خود را در قالب داستان بیان کرده‌اند. از آن‌جا که این مسافران بعضاً به قاره‌های دیگر و یا بیت‌المقدس سفر می‌کردند داستان‌های خود را رنگ مذهبی می‌بخشیدند اما از نظر



ورود کریستف کلمب به آنتیلاها، کنده‌کاری متعلق به سال ۱۴۹۳ میلادی

بطلمیوس (Ptolemy)، ستاره‌شناس مشهور مصری، تصور خود از جهان را به صورت نقشه‌ای ترسیم کرد و این نقشه مورد قبول قشر تحصیل کرده قرار گرفت.

این امر مسلم است که انسان‌ها در تمام اعصار خالق نظریاتی بوده‌اند به همین دلیل مناسب دیده شده که قبل از ورود به مباحث اصلی، برخی عقاید مشهور نسبت به طبیعت جهان بیان شود تا با ذهنیت مسافران قرون وسطی، اهدافی که مد نظر داشتند و مسیری که انتخاب می‌کردند، بیشتر آشنا شویم. بر همین اساس، فصل اول با عنوان «تصوری از جهان در قرون وسطی» تألیف پروفیسور آرتور پرسیوال نیوتن (Arthur Percival Newton) به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این فصل به معرفی و کنکاش پیرامون نظریاتی می‌پردازد که از سده‌های باستان تا پایان قرون وسطی بر دنیای غرب حاکم بوده و اساس ذهنیات آن‌ها را تشکیل می‌داده است. این ذهنیات که همگی زاینده خیالات و حدس و گمان بود در نقشه‌های باقی مانده از سده‌های اولیه بعد از میلاد مسیح (ع) که در واقع تصاویر توصیفی از عقاید مسیحیت هستند، مشخص است.

با گذشت زمان و آشنایی اروپاییان با دانش جغرافیا و نجوم از طریق اعراب مسلمان، تصورات ایشان حالت سیستماتیک به خود گرفت. از آن پس دریانوردان اروپایی از طریق سفرهای دریایی به مسافرت‌های دور و نزدیک رفتند و در بازگشت به نگارش رسالات جغرافیایی و بیان عقاید خویش پرداختند. در فصل دوم با عنوان «نزول دانش جغرافیا و زوال اکتشافات

نویسنده مسافرت به خارج از کشور خویش لزوماً نمی‌تواند عنوان سفر زیارتی داشته باشد. نگارنده در ادامه به مقایسه این داستان‌ها و افراد و حوادث اتفاق افتاده در آن با موضوع داستان‌های دیگری می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که غریزه، شعور و یا هوش طبیعی سفر و ماجراجویی امری درونی و مادرزادی است و به هیچ وجه جهانی نیست.

فصل چهارم، «عصر وایکینگ» نام دارد. پروفیسور آلن ویور (Alan Wawer) در این مقاله به بررسی پیشینه مردمان شمال اسکاندیناوی می‌پردازد و عملکرد ایشان را در ساختن اروپای مدرن سازنده و مثبت ارزیابی می‌کند. وایکینگ‌ها همان کسانی بودند که به دزدان دریایی مشهور و علائق ایشان در قتل و غارت و کشتار خلاصه می‌شد اما تحقیقات صد ساله اخیر نشان داده است که این نگرش منفی و نادرست بوده و وایکینگ‌ها نه تنها مردمانی دلاور و سخت‌کوش در زمینه دریانوردی و کشفیات جغرافیایی بوده‌اند بلکه در مسایل تجاری، هنر، ادبیات و باستان‌شناسی نیز بر سایر مردم اروپا پیشقدم بوده‌اند.

نویسنده در ادامه نقش وایکینگ‌ها را در باروری تمدن اروپا در دو امر خلاصه می‌کند، نخست وجود تعداد زیادی آثار ادبی به جای مانده از ساکنان شمال اسکاندیناوی که به ادبیات اسکاندیناوی شهرت دارد و حاصل تلاش نویسندگان زبردستی هستند که در نگهداری افسانه‌ها و داستان‌های قدیمی اروپایی نقش عمده‌ای را ایفا کردند و دوم قدرت و خلاقیت وایکینگ‌ها در زمینه مسایل نظامی است. وایکینگ‌ها طراحانی برجسته در ساخت ابزارآلات جنگی بودند و سلاح‌های دستی و کشتی‌هایی که می‌ساختند موجبات شگفتی انگلیسی‌ها، که خود در تاریخ به سلطان جنگ‌های دریایی معروف بودند را فراهم می‌آورد.

در فصل پنجم پروفیسور آرنولد (T.W. Arnold) به مبحثی با نام «مسافران و بازرگانان عرب ۱۰۰۰ - ۱۵۰۰ میلادی» می‌پردازد. وی تأکید می‌کند که از زمان امپراتوری باشکوه روم، دنیای غرب قلمرویی به وسعت امپراتوری اعراب مسلمان در سده هشتم میلادی به خود ندیده است، اما در ادامه این امپراتوری را حاصل فرهنگ و تمدن یونانی می‌داند. نویسنده استدلال می‌کند اولین بار قلمرو وسیعی که از شرق تا اقیانوس اطلس، پرغال، مراکش، سوریه و فلسطین امتداد داشته یک حکومت مدیران‌های متعلق به رومی‌ها بوده است. این محدوده را اسکندر مقدونی برای نخستین بار فتح کرد و رومی‌ها آن را گسترش دادند، سپس اعراب مسلمان وارث آن شدند بنابراین تمدن اسلام از نتایج شکوفایی تمدن یونانی است ولی در شرق.

پروفیسور آرنولد رابطه میان مسلمانان و اروپاییان را در این زمان فعال و سودمند دانسته و قائل به تعاملی دوجانبه در زمینه مسائل علمی و بازرگانی میان ایشان است. در این دوره ملیت‌های مختلف، بدون این که جان یا مال آنان مورد تعرض قرار گیرد با آسودگی در

قلمرو امپراتوری مسلمانان رفت و آمد می‌کردند.

پیامد این مسئله به ایجاد تقاهم و دوستی بین اقوام و کشش‌های مختلف با مسلمانان منجر شد. البته این رابطه دوسویه بوده و مسلمانان نیز در مسافرت به کشورهای دیگر مورد استقبال و توجه قرار می‌گرفتند.

از آن جمله می‌توان از ابن بطوطه، جهانگرد مسلمان نام برد که در سفر به چین و هند مورد احترام فراوان قرار گرفت. نویسنده نتیجه می‌گیرد که روابط دوستانه از سوی ملل دیگر برای مسلمانان در این دوره چیزی جز وجود یک تأکید دینی میان مسلمانان در امر ایجاد برادری، محبت و احترام نبوده است.

در بخش دیگر از این فصل نویسنده به مراسم حج اشاره می‌کند که مطابق دین اسلام هر فرد مسلمانی به محض استطاعت مالی موظف به سفر به مکه و به جای آوردن مراسم حج بوده است. این سفرها برای مسلمانان ترکیبی از زیارت و تجارت بود. به هنگام سفر چه به لحاظ روحی و چه از نظر مالی آمادگی آن را می‌یافتند که به مسافرت بپردازند. ضمن این که در دین اسلام به مقوله سفر و مسافرت و پرداختن به تجارت سفارش بسیار شده است. خود پیامبر اسلام (ص) نیز به سفر رفته بوده و الگویی برای مسلمانان به حساب می‌آمده است.

عنوان فصل ششم کتاب «تجارت و ارتباطات در اروپای شرقی ۸۰۰ - ۱۲۰۰ م» است. بارون میندروف (Baron. A.f. Meyen-doroff) یکی دیگر از جنبه‌های سفر در قرون وسطی را بازگو می‌کند. نویسنده از مسافرت فردی از اهالی کیف به نام ابوت دانیل (Abbet Daniel) نام می‌برد که روانه سفری زیارتی می‌شود و از خدادهایی که بر سر راهش اتفاق می‌افتد روایت می‌کند. ابوت از پادشاه مستبد روسیه می‌گوید که میانه چندان خوبی با مذهب نداشته. وی همچنین از اختناق می‌گوید که بر اجتماع روسیه آن روزگار سایه افکنده بود.

در این دوران معمولاً افراد نیکوکار روانه مسافرت به مکان‌های مقدس می‌شدند و هدف از این مسافرت‌ها به زعم ایشان یا از دست دادن دارایی و یا رسیدن به چیزهای شایسته بوده است.

یهودیان نیز به قصد سفرهای زیارتی و هم برای انتشار آیین یهود، بعد از وایکینگ‌ها و اعراب در زمره مسافران مذهبی قرار گرفتند.

رومی‌های شرقی اقتصادی بسیار فعال داشتند. راه‌های زیادی به روم ختم شده و از آن خارج می‌گشت. مورخان روسی و رومی به ارتباط و علائق اقتصادی فراوان میان روسیه و مردم اشاره می‌کنند. وجود راه‌های ارتباطی متعدد میان این دو سرزمین باعث شده بود تا علاوه بر رد و بدل کردن مواد صنعتی، پوشاک، چرم و مواد خوراکی و آشامیدنی، ابزارآلات جنگی هم در زمره کالاهای مورد مبادله قرار گیرد و سبب شود تا روم و شرکای بازرگانی آن به یک قطب نظامی تبدیل شوند.

این دوره یک خصوصیت فوق‌العاده جالب داشت و آن حاکمیت

به آفریقا از جمله به مناطق فعال و معروف این قاره در قرون وسطی چون اتیوپی و ماسوا، شرح امور پادشاهی آفریقایی اتیوپی و دو سفر به پرتغال می‌پردازد.

فصل نهم با عنوان «لردجان و امپراطوری حبشه» به قلم پروفیسور دنیسون راس (E. Denison Ross) به رشته تحریر درآمده است. طبق نظر نویسنده این مقاله حبشه یا اتیوپی فعلی که براساس گفتارهای متداول و سنتی تاریخچه پیدایی آن به پیش از قرن دوازدهم میلادی بازمی‌گردد، سرزمینی بوده که زیر نظر کشیشان مسیحی اداره می‌شده و مورد بازدید فراوان مسافرانی از غرب قرار می‌گرفته است. به باور این مسافران حبشه جایی در هندوستان بوده در حالی که واقعاً از لحاظ مکانی در این کشور قرار نداشته است و در واقع منظور از پادشاهی هندوستان، پادشاهی حبشه یا اتیوپی امروزی بوده است.

طبق نظر مورخی مسیحی قبل از سال ۱۱۸۵ میلادی در منطقه اتیوپی کشیشی یوحناپی به نام لردجان به یک پیروزی بزرگ مقابل پارس‌ها و مادها می‌رسد و قدرت و ثروتی هنگفت نصیبش می‌شود. لردجان در اتیوپی به تأسیس پادشاهی دست می‌یازد و حکومت خود را بر مبنای آموزه‌های مسیح پی‌ریزی می‌کند. دنیسون راس در این فصل با آوردن نامه‌هایی منتسب به لردجان چگونگی به قدرت رسیدن وی و تشکیلات حکومتی مسیحی را توضیح می‌دهد و در ادامه اثبات می‌کند این نامه‌های مبالغه‌آمیز جعلی بوده و متعلق به امانوئل اول پادشاه بیزانس بوده است.

فصل دهم با عنوان «جستوجو برای رسیدن به هندوستان از طریق دریا» که توسط پروفیسور ادگار پرستیج (Edgar Prestige) نوشته شده، به سه کشور بزرگ پرتغال، اسپانیا و انگلستان اشاره دارد که در اواخر قرون وسطی به دنبال یافتن راه‌های رسیدن به هندوستان بوده‌اند. یکی از این راه‌ها که به هندوستان ختم می‌شد از طریق خلیج فارس و دریای عمان می‌گذشت و کشورهای اروپایی برای رسیدن به این راه مجبور بودند که آب‌های غربی و جنوبی اروپا را دور بزنند.

پرتغال به دلیل داشتن کرانه‌های دریایی زیاد، دارای کشتی‌رانی قوی و نیروی دریایی قدرتمندی بود. در شمال این کشور اسپانیا قرار داشت. اسپانیا در آن زمان به سه پادشاهی تقسیم می‌شد که بزرگترین آن کاستیل بود. گرچه قدرت دریایی پرتغال توسط اسپانیا محدود و مشروط به استفاده از دریاها برای مصارف انرژی بازرگانی و سوددهی اقتصادی شده بود اما با این حال نمی‌توان منکر تأثیرات فراوان پادشاهی‌های اسپانیا و انگلستان در کشف راه‌های دریایی منتهی به هندوستان شد. در این میان انگلیسی‌ها و ماتادورها کشمکش‌ها و نزاع‌های فراوانی بر سر تصرف هندوستان داشتند که در مجموع انگلیس به دلیل شهرت همیشگی خود در دریانوردی موفق‌تر بود.

حالتی میان جنگ و صلح در اروپا بود. مسلماً میان اقتصاد، سیاست و مسائل نظامی تفاوت‌هایی وجود دارد اما در اروپای ۱۲۰۰ - ۸۰۰ میلادی گاهی این سه مسئله با هم می‌آمیختند که حاصلی جز آشفتگی برای جوامع نداشت.

در این دوره همچنین مسافرت، تجارت و جنگ که تا پیش از آن از مقولات متفاوت میان وایکینگ‌ها و اعراب بود و مسائلی جدا تلقی می‌شد با هم درآمیخت.

پایان این عصر با یک فاجعه همراه بود و آن تخریب پایگاه مذهبی مسیحیان یعنی فروپاشی روم شرقی بود. از طرف دیگر مغول‌ها وارث امپراتوری وسیعی نه تنها در آسیا بلکه در روسیه شدند.

نویسنده متذکر می‌شود که اروپای مدرن از سال ۸۴۳ میلادی به بعد شروع می‌شود و در آغاز این مرحله مسیحیان برای رقابت با فرهنگ و تمدن مسلمانان افرادی را به نقاط مختلف شرق و غرب جهان گسیل می‌کردند تا علاوه بر اکتشافات جغرافیایی به تبلیغ و گسترش دین مسیحیت بپردازند.

در فصل هفتم پژوهشگری به نام ایلین پاور (Eillean Pow) در باره ارتباط مغرب و مشرق زمین در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۲۴۵ میلادی بحث می‌کند. در این زمان ما شاهد دوره منحصر به فرد و مهمی از تاریخ ارتباطات و مسافرت‌های قرون وسطی هستیم. در این سال‌ها دو قطب متمدن کره زمین یعنی شرق و غرب با یکدیگر ارتباط بسیار بیشتری برقرار کردند. شرق را می‌توان در چین و هند و غرب را در تمدن مسیحیان خلاصه کرد. زمانی این ارتباط شدت گرفت که غربی‌ها از الماس‌های شرقی، مهرهای شطرنج تایلندی و فرش‌های ایرانی بهره می‌بردند. در این فصل به اسامی تعداد زیادی از راه‌های ارتباطی از شرق به غرب برمی‌خوریم که اسامی نشان‌دهنده مرادات قوی بین این دو بخش از کره زمین است. نام‌هایی چون Cathay که مکانی دور در امپراتوری پاپ بوده و نام این فصل با عنوان بازگشایی راه‌های زمینی به Cathay، از آن گرفته شده است.

نویسنده فصل هشتم پروفیسور آرتور پرسیوال نیوتن درباره داستان‌های مسافران، تصورات ایشان و شگفتی‌هایی که ناظر آن بوده‌اند و نیز در خصوص مسافران اروپایی آفریقا در قرون وسطی توضیح می‌دهد. در بخش نخست این فصل درباره قصه‌ها و گفته‌های مسافران بحث می‌شود. با این تفاوت که این بار مسافران از مسائلی سخن می‌گویند که بسیاری از آن‌ها تاکنون دیده نشده و یا اتفاق نیفتاده است. در این زمان که دوران کشتار و غارت تاتارها (مغولان) بوده است، رهنوردان کشورهای مختلف قصه‌هایی حاکی از وجود حیوان‌های بزرگ، عجیب و فوق‌العاده خطرناک در مناطق مورد مشاهده خود نقل کرده‌اند. حیواناتی که جای پای آن‌ها بیش از یک فوت و پای آن‌ها دارای سه انگشت بوده است.

نگارنده در قسمت بعدی مقاله خود به سفرهای متعدد اروپاییان